



تفسیر سوره فاتحه

(از منظر تجزیه و تحلیل لغات)

نگارش و تنظیم : جمال پورمینه

09214728863

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قسمت اول تفسیر سوره فاتحه

اولین صفحه از قرآن کریم سوره فاتحه است این سوره خلاصه کل 114 سوره از قرآن می باشد و همچنین خلاصه تمام کتاب های آسمانی قبل از قرآن هم است سوره فاتحه اولین سوره در ترتیب نوشتاری قرآن و پنجمین سوره در ترتیب نزول بعد از سوره های علق - مدثر - مزمل و قلم می باشد هر آنچه در قرآن بیان شده است می توان خلاصه آن را در این سوره یافت سوره فاتحه از 3 جزء عقیده - عبادت و منهج یا برنامه زندگی تشکیل شده است ، سوره علم و عمل است که مسلمان حقیقی را پالایش روح می کند از آیه اول که **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** تا آیه چهارم که **مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ** است مربوط به علم است سپس آیه پنج و آیه شش می آید **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** که مربوط به عمل است و عبادت الله محسوب می شود در ادامه آیه 6 می آید **اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ** که مربوط به دعا است چون در آیه آخر خروجی و پالایش انسان ها تعیین می شود لازم است مسلمان در این مسیر دعا کند و در زمره نجات یافتگان باشد به همین جهت در آیه آخر که آیه هفتم است مردم به 3 دسته مختلف تقسیم می شوند :

1 - **صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ** دسته اول کسانی هستند که خداوند بر آنان نعمت بخشیده و هدایت

یافته اند .

2 - **غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ** دسته دوم افرادی هستند که علم دین دارند ولی از علم خود استفاده نادرست

می کنند آنان اهل ظلم و فساد هستند و عدالت را نمی شناسند که در این سوره بیشتر یهودیان مد نظر

هستند .

3 - **وَلَا الضَّالِّينَ** دسته سوم هستند این افراد علم دین ندارند و گمراه هستند هر چند اعمال صالح هم داشته باشند اما مشخص نیست این اعمال را برای چه کسی انجام می دهند که در سوره فاتحه بیشتر مسیحیان مد نظر هستند.

سوره فاتحه در مورد صفات خداوند هم برای ما سخن می گوید که **رحمن** و **رحیم** است و **مالک** روز جزا است لذا اگر خداوند مهربان و بخشنده باشد و مالک روز آخرت هم باشد مسلماً اهل ظلم و تبعیض نیست و عدالت کامل را دارد.

اخلاص – دعا و استقامت از اهم موارد دیگری است که در این سوره بیان شده است ، اخلاص از آیه

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ می آید استقامت و دعا هم از آیه 6 و 7 سوره که **اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ است می آید . از طرفی هدایت – دوری

از خشم و غضب خدا – روز آخرت – پاداش و عذاب – اخبار امتان پیشین و از همه مهم تر اتحاد امت با هم از دیگر مواردی است که در این سوره بیان شده است اتحاد امت در تک تک آیات این سوره دیده

می شود چون بصورت جمع آمده است **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** جمع است **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** جمع

است **اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ** هم جمع است **صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ**

نیز بصورت جمع آمده است که تاکید می کند عقیده و عبادت امت باید یک صدا باشد .

اسلوب درست دعا هم در این سوره بیان شده است که باید ابتدا از تسبیح و ستایش خدا شروع شود سپس به درخواست ها برسد ، نام سوره فاتحه است فاتحه 2 معنی را در بر می گیرد : 1 – آغاز قرآن

است اگر قبل از هر سوره ای خوانده شود معنی و مفهوم آن سوره را حفظ می کند و آن را منحرف نخواهد کرد .

2 - فاتحه از فتح می آید به این معنی است که خواننده این سوره به فتح و پیروزی بزرگی می رسد و درگاه خیر و برکت به رویش باز می شود.

نام های دیگری از این سوره در قرآن و احادیث پیامبر ذکر شده است به عنوان مثال **سبع المثانی** -

القرآن العظیم - سوره شفا - ام الكتاب - الصلاه - سوره حمد از نام های دیگر این سوره می باشند

بسیاری از مفسرین می فرمایند قرآن **مثنائی** است و 7 آیه از آن منظور سوره فاتحه است مثنائی 2 معنی را در بر می گیرد : 1 - **مثنائی** به معنی تکرار است اما تکرار شونده ای که انسان را خسته نمی کند .

2 - **مثنائی** منظور کل قرآن است و **سبع** به معنی 7 آیه و **من** به معنی تعداد یا مقدار است بنابراین آیات قرآن ضد هم نیستند و تعداد 7 آیه از قرآن کریم هم معطوف به سوره فاتحه است.

پیامبر اسلام نام این سوره را **الصلاه** به معنی نماز نامیده است و فرمود هر کسی در نماز این سوره را بخواند نمازش کامل نیست ، بزرگترین سوره قرآن است و پیامبر اسلام در بسیاری از احادیث خویش آن را سوره بزرگ قرآن نامیده است چنانچه از **امام احمد و ترمذی** آمده است که پیامبر اسلام به **ابی بن کعب** گفت بزرگترین سوره قرآن فاتحه است که در هیچ کتاب آسمانی مانند آن نازل نشده است.

از این جا به بعد به تفسیر آیات این سوره از منظر تجزیه و تحلیل لغات آن خواهیم پرداخت اولین آیه از سوره فاتحه **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** است علمایان می فرمایند تمام قرآن در سوره فاتحه جمع شده

است و تمام سوره فاتحه در **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** نهفته است و البته تمام معجزه **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** در حرف **(ب)** آن بیداد می کند که در قسمت دوم تفسیر سوره فاتحه به آن خواهیم پرداخت

در قرآن کریم 114 سوره داریم که 114 **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** نیز در آن تکرار شده است در سوره توبه **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** نداریم و در سوره نمل 2 بار **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** آمده است در این

جمله زیبا 3 نام بزرگ پروردگار که عبارتند از **الله - رحمن - رحیم** بیان شده است **الله** نام جامع و کامل پروردگار است **الرحمن و الرحیم** صفت پروردگار هستند اما چون بسیار زیاد تکرار شده اند از حالت صفت خارج شده و به اسم تبدیل شده اند این مورد در میان انسان ها هم رایج است بسیاری از افراد را می شناسیم که سال های سال است مردم به جای اسم واقعی آنها از صفتشان استفاده می کنند **الله - رحمن و رحیم** از نام های پروردگار هستند که با هیچ زبانی قابل ترجمه نیستند اگر شخصی **جمیل** نام داشته باشد در سراسر دنیا او را فقط با اسم **جمیل** صدا می کنند و قرار نیست اسم او را با زبان مردم آن کشور ترجمه کنند که به آن سفر کرده است به همان شکل نام های خداوند هم قابل ترجمه نیست و ما قرار است مفهوم آن نام های زیبا را یاد بگیریم و قرار نیست آن ها را ترجمه کنیم .

الله به معنی آن اله مخصوصی است که از میان هزاران اله باید فقط او پرستش شود در واقع **الله** همان اله است که **الف و لام** اشاره به آن چسپیده است و مراد آن الهی است که مورد تائید قرآن است و همه عالم بنده اوست.

رحمن به معنی بخشنده نیست بخشنده در واقع **کریم یا سخی** می تواند باشد بنابراین **رحمن و رحیم** هر دو صیغه مبالغه هستند و بر وزن فعلان و فعیل قرار دارند **رحمن** به معنی مهربان مطلق است که هیچ وقت رحمت و مهربانی او پایان نمی پذیرد و از کسی دریغ نمی شود رحمتش فراگیر - عام و همه جانبه است و برای اینکه نشان دهد تغییر نمی کند یا کم نخواهد شد و یا از هیچ مخلوقی دریغ نمی شود کلمه **رحیم** به دنبال آن می آید که صیغه مبالغه و بر وزن فعیل است که برای گسترش دادن و عمومیت پیدا کردن به کار می رود و دلالت ثبات - دوام و استمرار رحمت **رحمن** را دارد بنابراین نزدیک ترین مفهوم به کلمه ی **رحمن و رحیم** این است که خداوند رحمن آن مهربانی است که اگر بنده ذره ای مجال برای خود باقی بگذارد روز قیامت او را نجات خواهد داد و نمی گذارد وارد آتش دوزخ شود بنابراین جمله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خلاصه کل قرآن است که با هیچ زبانی قابل ترجمه نیست و فقط مفهوم آن را در حد وسعت انسان می توانیم دریابیم.

مقداری بیشتر در مورد رحمن سخن خواهیم گفت چون رحمن تنها نامی از پروردگار است که در قرآن کریم همراه الله یا به جای الله می تواند بیاید هیچ کدام از اسماء و صفات دیگر خداوند چنین ویژگی مهم را ندارند قرآن می فرماید:

قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى - 110 اسراء

بگو الله را بخوانید یا رحمن را فرقی نمی کند همه ی نام های نیک برای اوست.

تقریباً 20 صفت از الله در قرآن کریم به رحمن هم نسبت داده شده است ایمان به الله و ایمان به رحمن - توکل بر الله و توکل بر رحمن - درخواست از الله و درخواست از رحمن و همچنین خشوع - سجود - ذکر - آیات - عباد - ملک - عذاب - عبادت - حشر - کفر به الله و کفر به رحمن - اذن و ... از اهمیت فراوان قرآن به نام زیبای رحمن است رحمن از رحیم هم بزرگتر است چون هم می بخشد هم عذاب می دهد هم بهشت دارد هم دوزخ دارد ولی رحیم عذاب نمی دهد و خصوصیات رحمن را ندارد از مهم ترین ویژگی رحمن این است که قرآن به دور از تمام اسماء و صفات خدا حتی به جای الله ، رحمن را فرمانروای دو عالم معرفی میکند و در هر دو جهان رحمن بر مخلوقات خود تجلی خواهد کرد و با صفت رحمانیت خود با بندگان برخورد می کند .

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى - 5 طه

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ - 26 فرقان

در تک تک آیات سوره فاتحه نقش رحمانیت خداوند آشکار است و جالب اینجاست در کل قرآن کریم خداوند تنها یک چیز را بر خود واجب کرده و به صورت مکتوب بالای عرش نوشته است و آن هم رحمت است **امام جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر سیوطی شافعی** می‌فرماید آن نوشته ای که خداوند رحمت را بر خود واجب کرده است از لوح المحفوظ هم بزرگ تر است چون لوح المحفوظ پائین عرش قرار دارد ولی جمله ی مربوط به رحمت بالای عرش نزد پروردگار قرار گرفته است.

قسمت دوم تفسیر سوره فاتحه

اولین حرف در سوره فاتحه و آغاز قرآن حرف (ب) است که در **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** آمده است چون **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** جزء آیه محسوب می‌شود می‌توانیم بگوئیم که آغاز قرآن با حرف (ب) است تفسیر سوره فاتحه و ختم کامل این سوره از توانایی انسان خارج است لذا ما به اندازه ی توانایی خودمان می‌توانیم به معانی عمیق آن پی ببریم **بِسْمِ اللَّهِ** یعنی به نام الله و این را می‌رساند که حرکت و حیات در کل هستی با اراده و رضایت الله شروع می‌شود زندگی انسان مسلمان هم از اولین لحظه ی صبح که از خواب برمی‌خیزد با نام الله شروع می‌شود و شب قبل از خواب آخرین کلمه ای که به کار می‌برد نام الله است که می‌گوید **بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَمُوتُ و أَحْيَا** ، لذا بسیاری از افراد را دیده ایم که تنها با تکیه بر توانایی های خودشان کارهای بسیار مهمی را از بدو آغاز با شکست انجام می‌دهند و از نام الله و **بِسْمِ اللَّهِ** غافل بوده اند بنابراین در قرآن کریم اگر دقت کنیم خداوند جدای از اینکه تاکید کرده است که انسان ها به ذات او وصل شوند و بر او توکل کنند همچنین تاکید کرده است که به نام مبارک الله هم توجه کنند و تمام زندگی خود را تحت پوشش ذات و نام الله قرار دهند چنانچه در آیات زیر این اهم کامل دیده می‌شود:

وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا - 8 مزمل - و نام پروردگار خود را یاد کن و تنها به او بپرداز
وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا - 25 انسان - و صبح و شب نام پروردگارت را یاد کن.
وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ - 40 حج - و مساجدی که نام الله در آن زیاد برده می شود.

نام الله به حدی مبارک است که هنگام غذا خوردن باید برده شود و هنگام سر بریدن حیوانات هم باید
نام الله برده شود و اگر این کار صورت نگیرد در خوردن گوشت آن حیوان اشکال به وجود می آید و
نباید انسان مسلمان از آن تناول کند و خداوند باز تاکید می کند چنانچه ذات الله مبارک است به همین
شکل نام الله هم مبارک است .

تَبْرَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلْلِ وَالْإِكْرَامِ - 78 الرحمن

تسبیح و ستایش هم به همان شکل است هم برای ذات الله هم برای نام الله باید بکار برود.

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ - 1 حدید

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ - واقعه 74

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى - 1 اعلی

کسب علم هم باید با نام الله آغاز شود هر گاه با نام الله کسب علم بیاموزیم نمی گذاریم در آن خیانت
رسوخ کند ولی بدون نام الله فراگیری علم باعث تولید بمب های اتمی و سلاح های کشتار جمعی خواهد
شد به همین جهت اولین کلمه در دین اسلام که بر پیامبر نازل شد علم است اما باید حتما با نام الله باشد
تا بتواند علمی مبارک و در خدمت مردم قرار بگیرد .

اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ - 1 علق

در مسایل زندگی روزمره مردم حاکمان یک کشور باید مانند حضرت سلیمان با نام الله فرمان و یا دستوری صادر کنند اگر چنین باشد یک ملت از بد اخلاقی ها - از ظلم و تبعیض - از تضاد طبقاتی و آثار شوم بی عدالتی ها نجات پیدا می کند چون حاکمان با نام الله بر مردم حکومت می کنند و اگر همه دنیا از آنان بخواهند دستوری صادر نمی کنند که ضد منافع ملت خویش باشد .

إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - 30 نمل

غذا خوردن باید با **بِسْمِ اللَّهِ** آغاز شود غذا و شراب و همچنین اعضای بدن ما را خداوند خلق کرده است تا بتوانیم غذا بخوریم و زنده بمانیم حتی شخص کافر هم با اراده و اجازه خداوند است که زنده است و نفس می کشد قلب او با اراده خدا کار می کند و در طول شبانه روز بیش از 100 هزار مرتبه می تپد و پروسه خون رسانی را به بدن و مغز او انجام می دهد و فقط قدرت انتخاب و اختیار دارد که به الله ایمان بیاورد که متاسفانه شخص کافر در این حداقل اختیار شکست می خورد در غیر اینصورت پاهای او با اراده الله حرکت می کند و اگر الله نخواهد او نمی تواند برای یک لحظه زنده بماند.

ازدواج هم با **بِسْمِ اللَّهِ** شروع می شود یک دختر و پسر که تا دیروز نامحرم بودند و نگاه کردن به هم حرام می بود امروز با **بِسْمِ اللَّهِ** گفتن و خواندن نکاح زن و شوهر شرعی و قانونی یکدیگر خواهند شد.

اهمیت **بِسْمِ اللَّهِ** را درک کردیم همچنین اهمیت **رحمن** و **رحیم** را دانستیم سپس بلافاصله در آیه دوم با **الْحَمْدُ لِلَّهِ** روبرو می شویم که به ما می گوید همین که خداوند نعمت **بِسْمِ اللَّهِ** گفتن را به شخصی بخشید باید سپاس گذار این نعمت باشد و **حمد** الله را به جای آورد بیش از 99 درصد مردم جهان سرگردان و گمراه هستند چون نعمت **بِسْمِ اللَّهِ** را نتوانسته اند به دست بیاورند بنابراین یک مسلمان حقیقی باید این

نعمت بزرگ را درک کرده و حمد آن را به جای آورد ، در آیه دوم سوره فاتحه **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** آمده است سپاس گذاری در زبان عربی به 3 شیوه انجام می شود :

1 - حمد

2 - شکر

3 - مدح

در این میان **حمد** از شکر و از مدح مهم تر و بزرگ تر است **مدح** ثنا و ستایشی است که برای انسان - خدا - حیوان و اشیاء به کار برده می شود و معمولاً اغراق و حتی دروغ هم در آن دیده می شود به همین جهت کلمه **مدح** به هیچ عنوان در قرآن بکار برده نشده است . دومین مورد **شکر** است که هم با زبان هم با عمل می توان آن را به جای آورد و برای غیر خدا هم به کار برده می شود مانند آیه زیر:

اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلًا مِّنْ عِبَادِيَ الشُّكُورُ - 13 سبأ

ای آل داود شکر (اینهمه نعمت را) بجا آورید، اما عده کمی از بندگانی من شکرگذارند.

سومین مورد و مهم ترین مورد **حمد** است که باید صداقت در آن رعایت شود و هم شخصی که مورد حمد قرار می گیرد زنده باشد - صاحب اراده - توانا و صاحب درک و فهم باشد بنابراین حمد برای شخص مجنون و برای شخصی که دیگران برای او تصمیم می گیرند به کار برده نمی شود همچنین حمد با زبان بیان می شود و زبان با قلب هم جهت است به این معنی که شخص قلباً می خواهد حمد کسی را به جای آورد سپس برای این کار از زبان خویش استفاده می کند حرف **(ل)** در کلمه **الْحَمْدُ** لام استقراض نام دارد به این معنی که هر آنچه در مورد حمد - شکر و مدح وجود دارد می تواند در حمد جای بگیرد و برای الله بکار رود در سراسر قرآن کریم خداوند مستقیماً دستور داده است که شکر او را

به جای آوریم ولی مستقیماً فرمان نداده است که حمد او را به جای آوریم بنابراین ما کلمه **وَ اشْكُرُوا لِي** را در قرآن می بینیم ولی کلمه **وَالْحَمْدُ لِي** را نمی بینیم دلیل آن این است که به جا آوردن کامل حمد الله در توانایی انسان ها نیست به همین جهت قرآن کریم شیوه ی به جا آوردن حمد را به انسان یاد میدهد و می فرماید :

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ - 59 نمل

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ - 3 النصر

همچنین قرآن به ما یاد می دهد که حمد و تسبیح را با هم ترکیب کنیم و بگوئیم **سبحان الله و بحمده** ، **سبحان ربی العظیم و بحمده** ، **سبحان ربی الأعلی و بحمده** ، همچنین موضوع جالب بعدی در قرآن این است که در کل قرآن **حمد** تنها برای الله به کار رفته است و برای غیر الله در کل هستی تنها برای یک نفر **حمد** به کار رفته است و آن یک نفر **رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم** می باشد در سه جای قرآن این کرامت بی نهایت بالا را می توانیم مشاهده کنیم.

1 - نام محمد 4 بار در قرآن ذکر شده است محمد به معنی کسی است که بسیار مورد ستایش و سپاس قرار می گیرد .

2 - انتصاب پیامبر اسلام به مقام محمود در روز آخرت است که **محمود** به معنی مقامی بسیار ستایش شده ، بسیار حمد شده و بسیار سپاس شده می باشد .

عسی أن یبعثک ربک مقاماً محموداً - 79 اسراء

3 - در سومین مورد نام دیگر پیامبر توسط قرآن و کتاب های پیشین ذکر شده است که احمد می باشد.

وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ - 6 صف

احمد به معنی کسی است که بیش از حد سپاس گذار الله بوده و ستایش او را به جای آورده است هم خود آن شخص بیش از حد مورد سپاس گذاری و ستایش دیگران قرار گرفته است.

در قرآن کریم 5 سوره با **الْحَمْدُ لِلَّهِ** آغاز می شود که تنها در مورد قرآن و آسمان می باشد قرآن کریم از آسمان ها و کائنات بی نهایت هم بزرگتر و با ارزش تر است به همین جهت گفتیم به جای آوردن حمد پروردگار در توانایی انسان نیست **الْحَمْدُ لِلَّهِ** یعنی خداوندا راضی هستم تو پروردگار من هستی و راضی هستم به تمام اتفاقاتی که خارج از کنترل من در زندگی رخ می دهد و این رضایت قلبی را بر زبان جاری میکنم.

در ادامه بعد از **الْحَمْدُ لِلَّهِ** به کلمه **رَبِّ الْعَالَمِينَ** می رسیم در زبان عربی **رَب** به کسی می گویند که چیزی خلق می کند - صاحب و مالک حقیقی آن است - آن مخلوق را روزی می دهد - مدیر و مدبر امورات زندگی اوست و سرانجام او را به تکامل می رساند کلمه رب برای غیر خدا هم به کار برده می شود مانند اربابی که صاحب یک برده است یا مانند پدر در خانواده و مادر برای فرزندان می تواند رب باشد ولی تفاوت آن با رب حقیقی در این است که تنها یک قدرت مطلق در عالم وجود دارد که به صورت حقیقی توانایی هر کاری را دارد به همین جهت بر خلاف الله ، **رب** بدون **الف و لام** اشاره است و بیش از **980 بار** در قرآن آمده است چون نیازی نیست جهت معرفی به آن اشاره شود ولی بر خلاف رب کلمه **الله** دارای **الف و لام** اشاره است و در میان هزاران اله باطل که پرستش می شوند باید به آن اله به حق اشاره شود که همه عالم بنده اوست.

پس **رب** به کسی گفته می شود که 100 درصد قدرت - ثروت - نعمت - علم و حکمت و اقتدار را دارد و حتی 1 درصد آن را به کسی واگذار نکرده است و برای همه ی خلوقات خود رب است و به همین جهت به دنبال رب کلمه **الْعَالَمِينَ** می آید این کلمه جمع مذكر سالم است و تمام جهان های موجود در

هستی را در بر می گیرد جهان انسان ها - حیوانات - گیاهان - جهان سیارات و ستارگان - جهان فرشتگان و جن ها و حتی درون هر یک از این جهان ها ، جهان های دیگری وجود دارد که رب به همه ی آنان اشرف و به یک میزان توجه دارد مثلا در دنیای انسان ها چندین نوع جهان وجود دارد مانند جهان مردها - زن ها - کودکان - سالمندان - و حتی جهان کافران هم مورد اشرف رب است و نسبت به آنان رحمت و مهربانی دارد به همین جهت در آیه سوم باز هم دو نام بزرگ **رحمن** و **رحیم** باز تکرار می شود :

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ - 3 الفاتحه

رحمن به معنی رحمتی فراگیر و عام برای همه مخلوقات است این کلمه بر وزن فعلان است و به مانند الله تمام اسماء و صفات دیگر خداوند را در خود جای می دهد همچنین تنها اسمی از خدا است که به جای الله و همراه الله می آید و **رحیم** هم بر وزن فعیل است که رحمت و مهربانی رحمن را تعمیم و گسترش می دهد و این را می رساند که رحمت رحمن فراگیر - عام و جاودان است قرار نیست تمام شود و قرار نیست از کسی دریغ شود .

در ادامه ی دریای پر از رحمت خداوند که سوره فاتحه است در آیه چهارم خداوند می فرماید :

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ - 4 الفاتحه

در زبان عربی سه کلمه **مَالِكِ** - **مَلِكِ** - **مَلِيكِ** وجود دارد که به توضیح و تفاوت هر کدام می پردازیم:

1 - مَالِكِ در زبان عربی به کسی می گویند که صاحب چیزی باشد و آن چیز در تصاحب کامل او باشد شما یک دستگاه اتومبیل دارید و مالک آن هستید اما شرط نیست که هر مالکی بتواند در چیزی که دارد دخل و تصرف کند مثلا شما صاحب و مالک اتومبیل خود هستید ولی ممکن است اتومبیل شما را کسی دزدیده باشد یا ممکن است توسط نیروی انتظامی توقیف شده باشد در این صورت شما مالک حقیقی

نخواهید بود و توانایی دخل و تصرف در خودروی خود را ندارید پس شما اینجا **مَالِك** هستید ولی **مَلِك** نیستید.

2 - مَلِك در زبان عربی به کسی می گویند که صاحب دستور و فرمان است ولی شرط نیست که صاحب و مالک باشد به عنوان مثال حاکم و پادشاه در کشور صاحب دستور و فرمان است و برای مردم خود و کشور تصمیم گیری می کند ولی آن کشور سرزمین و ملک اجدادی او نیست و نمی تواند آن را از مردم گرفته یا غصب کند بنابراین جناب پادشاه **مَلِك** است اما نمی تواند **مَالِك** باشد لذا برای اینکه فکر نکنیم خدا **مَالِك** است اما **مَلِك** نیست یا **مَلِك** است ولی **مَالِك** نیست قرائت چهارم از قرائت سبع **مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ** و قرائت ششم **مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ** خوانده می شود.

3 - مَلِيك در زبان عربی از **مَالِك** و از **مَلِك** بلیغ تر - رساتر و شیوا تر است مانند **عالم و علیم - سامع و سمیع - باصر و بصیر - قادر و قدیر** بنابراین **مَلِيك** بروزن فعلیل است و کلمه فعلیل همیشه از کلمه اسم فاعل بلیغ تر و پویا تر است به همین جهت کلمه **مَلِيك** در قرآن کریم تنها برای الله بکار رفته است :

فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ - 55 قمر

کلمه **مَلِك** در قرآن برای غیر خدا هم بکار رفته است ولی باید تفاوت هایی وجود داشته باشد در این که این کلمه هم برای خدا هم برای غیر خدا به کار رفته است در اینجا تعداد اندکی از تفاوت های مهم آن را بیان خواهیم کرد.

1 - مَلِك بودن الله از ازل بوده است و به همین جهت آغازی ندارد و پایانی هم نخواهد داشت ولی هر کدام از پادشاهان جهان در روزی خاص به پادشاهی می رسند و در روزی معین هم آن را از دست میدهند.

2 - مَلِك بودن پادشاهان دنیا به صورت جانشینی است و آنان جانشین تاج و تخت پادشاه قبل از خود خواهند بود ولی **مَلِك** بودن الله واحد است تنها برای او بوده و هرگز جانشین پادشاه دیگری نشده است.

3 - مَلِك بودن الله **حقیقی** است چون تمام خلقتی که بر آن حکومت می کند خودش با علم و قدرت خویش آنها را خلق کرده است اما پادشاهان دنیا خالق هیچ چیزی از حیطة حکمرانی خود نیستند و در واقع **مَلِك** بودن آنها **مجازی** و انتسابی است.

4 - جایگاه مَلِك بودن تنها شایسته و لایق الله است چون اولاً حقیقی است و در ثانی لبریز از عدالت و داد خواهی است و به اندازه مثقال ذره ای ظلم در آن وارد نیست و بالعکس جایگاه پادشاهان در دنیا همیشه توأم با ظلم و فساد و نا عدالتی ها بوده است.

5 - الله در مَلِك بودن خود همتا و شریک ندارد ولی پادشاهان دنیا اینگونه نیستند و به تعداد زیادی همتا و هم نوع از پادشاهان دیگر ممالک را دارند.

6 - الله به صورت کامل بر ذره ذره ی ملک خود اشراف و آگاهی دارد و آن را مدیریت می کند ولی پادشاهان دنیا هیچ گونه تسلطی به حیطة ی حکمرانی خود ندارند و چه بسا آنان بر وجود خودشان هم محیط نیستند و در بسیاری از موارد نانب آنها بر علیه پادشاهان کودتا کرده و آنها را از **مَلِك** بودن ساقط کرده اند.

7 - مَلِك بودن الله به گونه ای است که هیچ نیازی به هیچ یک از مخلوقات خود ندارد و در عوض همه مخلوقات نیازمند او هستند ولی پادشاهان دنیا اینگونه نیستند به هزاران نفر از پزشک - خدمه - آشپز - سرباز و ... نیاز دارند به همین جهت **مَلِك** بودن آنها مجازی و محدود به زمان است و روزی پایان خواهد یافت به همین جهت تعریف می کنند **هارون الرشید** در هنگام مرگ اینگونه دعا می کرد :

یا مَنْ لَا یَزُولُ مُلْكُهُ اِرْحَمَ مَنْ قَدْ زَالَ مُلْكُهُ

ای کسی که پادشاهی پایان ناپذیر است! رحم کن بر کسی که پادشاهی رو به اتمام است .

کلمه **مَالِك** را به درستی شناختیم حال به **یَوْمِ الدِّینِ** می رسیم این کلمه **13 بار** در قرآن کریم تکرار شده است و در هر **13 بار** در مورد قیامت – زنده شدن – حساب و کتاب – بهشت و دوزخ و روز آخرت صحبت می کند چون تحقیق کامل دین - عدالت کامل الله – **مَالِك** بودن - **مَلِك** بودن و **مَلِیک** بودن الله به صورت کامل در آن روز برجسته خواهد شد و تنها در آن روز مالک بودن انسان ها بصورت کامل از بین می رود و به **مَالِك حقیقی** برمی گردد لذا از بزرگ ترین نعمت های ارزشمند برای مخلوقات و مخصوصا انسان ها این است که الله **مَالِك** و **مَلِك** روز آخرت باشد که گفتیم هر دو کلمه قرانت متواتر هستند و تفاوت **مَالِك** - **مَلِك** و **مَلِیک** را بیان کردیم.

به صورت جامع و کامل کلمه **یَوْمِ الدِّینِ** را آیه 14 سوره انفطار توضیح می دهد :

یَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ یَوْمَئِذٍ لِلَّهِ – 19 انفطار

روزی که هیچ نفسی مالک هیچ چیزی برای دیگران نیست و در آن روز فرمان و دستور برای الله است به همین جهت است که سوره فاتحه از سه اصل علم – عمل و دعا تشکیل شده است از آیه اول تا آیه چهارم که **مَالِكِ یَوْمِ الدِّینِ** است مربوط به علم است شناخت خدا – شناخت نام خدا – چگونگی حمد و ستایش او – شناخت صفات مهم رحمان و رحیم بودن او و سرانجام مالک بودن او در روز آخرت که مربوط به علم است سپس به آیه 5 می رسیم که مربوط به عبادت خدا است چون علم بدون عمل به درد نمی خورد و باید بعد از شناخت خدا او را عبادت کنیم و از او استعانت و کمک بخواهیم به همین جهت از آیه 1 تا آیه 4 با صیغه غائب خدا را شناختیم و حمد او را گفتیم ولی برای عبادت و استعانت از

صیغه غائب به صیغه مخاطب می آیم و این بار رو به ذات احدیت او کرده و **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** را می خوانیم که **تنها تو را می پرستیم و تنها از تو کمک می خواهیم** ، عبادت همه ی این معانی زیبا را در خود گرفته است ، طاعت - خزوع - الذل - الحب - اعتقاد به ربوبیت و الوهیت است که عبادت خالص را شکل می دهد اگر کسی به الله اعتقاد داشته باشد ولی او را پرستش نکند و یا از گناهان دست نکشد عبادت او ناقص خواهد بود از طرفی هم پرستش و یاری خواستن تنها و تنها به صورت کامل باید برای الله باشد به همین جهت کلمه **إِيَّاكَ** هم برای عبادت هم برای یاری خواستن آمده است که در آن اسلوب حصر به کار رفته است همچنین از صیغه ی جمع استفاده کرده است و نشان می دهد عبادت جمعی بهتر از عبادت فردی است و اتحاد امت لازم است به همین جهت بسیاری از عبادات در اسلام مانند نماز - روزه - حج - عید به صورت جمعی انجام می شود.

قسمت بعدی سوره فاتحه مربوط به دعا است که در آیه 6 و آیه 7 به آن پرداخته شده است ، بعد از شناخت الله و بعد از پرستش او حال قرآن به مسلمانان یاد می دهد از خداوند بخواهند که آنان را بر این راه مستقیم (شناخت الله و عبادت الله) باقی بگذارد و از زمره افرادی باشند که خداوند به آنان نعمت هدایت بخشیده و از زمره کسانی نباشند که خداوند آنان را مورد خشم و نفرین قرار داده و یا آنان را گمراه کرده است.

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶) صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (۷)

اولین هدایت خداوند هدایتی عام و طبیعی برای همه مخلوقات خود است که آنان را برای هدفی معین خلق می کند . دومین هدایت پروردگار هدایت عقلی است که تنها به انسان بخشیده شده است که از راه عقل به شناخت الله می رسد - به او ایمان می آورد و او را عبادت می کند .

راه هدایت و رسیدن به الله برای موحد راستین آسان نخواهد بود پیامبران خدا در این راه کشته شدند حضرت یوسف سال های متمادی به زندان افتاد - پیامبر اسلام به مدت 23 سال انواع مشکلات از قبیل جنگ - هجرت - شکنجه و شهادت یاران خود را به جان خرید ولی قرار نیست موحد راستین در این راه تنها بماند چون هدایت الله دسته جمعی است به همین جهت آیه **اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶)** هم به صورت جمع آمده است . امام رازی در تفسیر صراط می فرماید آسان ترین و نزدیک ترین راه که شخص را به مقصد می رساند صراط نام دارد و باید دارای مختصات زیر باشد :

1 - نزدیک ترین راه است 2 - صراط تنها یک راه است به همین جهت صراط در قرآن به صورت فرد آمده است و بر عکس سبیل و سُبُل است که به صورت جمع آمده اند . 3 - از راه های دیگر ممکن است شخص به مقصد نرسد ولی از راه صراط این اتفاق خواهد افتاد. 4 - در صراط قرار است راه فراوان و گسترده باشد که درون آن چندین سُبُل ریز و فرعی وجود دارد. 5 - صراط راهی آزمایش شده است و میلیون ها نفر در آن قدم نهاده اند به همین جهت در ادامه می گوئیم :

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ 7 فاتحه

مسلمانان از خداوند می خواهند راه کسانی را به آنان عطا کند که مورد نعمت الله قرار گرفته اند که در اینجا منظور نعمت ایمان و هدایت است و نعمت مادی هدف نیست چون یهودیان و مسیحیان هم مورد نعمت مادی قرار گرفته اند اما چون از نعمت ایمان و هدایت در صراط مستقیم باز ماندند مسلمانان از خداوند می خواهند راه آنان را برایشان ببندد و روی صراط مستقیم باقی بگذارد که راه اولیا و انبیاء و صالحان می باشد کلمه مستقیم از استقامت و پایداری در عمل صالح می آید و همچنین می تواند به معنی قیام باشد که صراط مستقیم **عمود** مانند است که با ایمان و انجام عمل صالح شخص به سوی الله بالا می رود و نکته آخر در مورد ادب برای الله است که در این سوره آمده است و باید حتما مورد

رعایت قرار بگیرد در آیه آخر سوره فاتحه مسلمانان اینگونه به پروردگارشان می گویند که ما را به راه کسانی برسانی که تو به آنان نعمت بخشیدی و از راه کسانی قرار ندهی که خودشان گمراه شده اند بنابراین نعمت هدایت را به الله نسبت ، و گمراهی و نفرین الله را به شخص و افراد نسبت می دهند چون هرگز الله کسی را مورد گمراهی و غضب قرار نمی دهد ولی هر کس در راه او قدم بگذارد به او نعمت هدایت و ایمان می بخشد.

پایان نگارش

مورخ 12 اسفند 1401